دلبستگی فرانسه به رمان گوتیک

ژان دلیسل

جودیت وودزورث

فولادی تالاری، خیام

این مطلب بخشی از کتاب«مترجمان در گسترهء تاریخ»است که توسط خیام فولادی تالاری‏ ترجمه شده و به زودی منتشر خواهد شد.

روابط سیاسی و نظامی فرانسه و انگلستان در پایان قرن‏ هجدهم بسیار پرتنش بود.علی رغم این خصومت،بده بستان‏ ادبی ادامه داشت،به ویژه پس از صادرات انبوه رمان گوتیک‏ انگلیسی به آن سوی آبراههء مانش،حتی شکوفا هم شد.این‏ نوع ادبی قریب پنجاه سال،تا 1830 یا حدودا تا آن تاریخ،بازار کتاب را به سیطره خود درآورد و تاثیری ماندگار بر زیبایی‏شناسی‏ فرانسوی گذاشت.رمان گوتیک،پس از یک دوره آغازین ترجمه‏ منظم که عمدتا بین سالهای 1790 تا 1800 رخ داد،رفته‏رفته بر ذوق و سلیقه فرانسوی،به ویژه در دوره بازگشت ادبی(بین 30- 1815)،اثر گذاشت.مترجمان این رمانها نقشی مهم اما دوپهلو ایفا کردند.آنها کار خود را با واردات متونی از نویسندگانی چون‏ ویلیام گادوین،آن رادکلیف،ماتیو گرگوری لوئیس و مری شلی‏ آغاز کردند،اما اندک‏اندک به اقتباس و تحریف این نوع ادبی‏ مبادرت ورزیدند.این پدیده را می‏توان از دو دیدگاه مورد بررسی‏ قرار داد.ما صلاح دانسته‏ایم که به عوامل جامعه‏شناختی نپردازیم: نگرش ناشران و عموم خوانندگان،یا تاریخ طبع و نشر و تجدید چاپ داستانهای مشهور و غیرمشهور(75-363:1978 Levy ) به جای آن،ما به نگرش مترجمان و شیوه‏های ترجمه آنها توجه‏ خواهیم کرد تا جایگاه و نقش ترجمه را در آن دوره روشن سازیم.

دلایل دلبستگی آغازین فرانسه به رمان گوتیک هرچه‏ باشد،این نوع ادبی در زمانی که باب روز بود به کرات در آن‏ کشور به چاپ رسید.فاصله زمانی بین متون اصلی انگلیسی و ترجمه‏های فرانسوی آنها با گذشت زمان کمتر و کمتر می‏شد. دو ترجمه«راهب»1اثر ام.جی.لوئیس در مدتی کمتر از یک‏ سال پس از متن اصلی در 1797 چاپ شدند،و«ایتالیایی»2 (1797)اثر آن رادکلیف و«لئون مقدس»3(1799)اثر ویلیام‏ گادوین در همان سال انتشار متنهای اصلی ترجمه شدند.برخی‏ از آثار پرفروش را ناشران رقیب با ترجمه‏های مختلف به چاپ‏ رساندند:برای مثال،«کلیب ویلیامز»4اثر گادوین بین سالهای‏ 1795 تا 1797 سه بار ترجمه شد،«برادرکشی»5اثر آنا ماریا مکنزی با دو ترجمه متفاوت در سالهای 1798 و 1799 به چاپ‏ رسید،و«راهب»و«ایتالیایی»هرکدام دو بار در 1797 ترجمه‏ شدند.

این فعالیت پرشور ترجمه را نمی‏توان تنها به مسایل تجاری‏ نسبت داد.عوامل دیگری-از نظر عقیدتی یا روان‏شناختی-نیز دخیل بودند.متون خارجی وارداتی دربردارندهء ارزشهای ظریف‏ و دقیقی چون تضاد کلیسای انگلستان با کاتولیک‏گرایی هوادار پاپ بود که به تمایلات ضدکشیشی در فرانسه دامن می‏زد. خشونت شیطانی و دغدغه‏های ماورای طبیعی و هراس‏آمیز این‏ رمانها نیز مردم را از توجه به تنشهای سیاسی آن دوره باز می‏داشت.رمان گوتیک ترسهایی بسیار کهن‏6و محرماتی‏7 چون دگرآزاری جنسی‏8و زنا با محارم را بیان می‏کرد؛این رمان‏ هم عنان قوه تخیل را با بی‏بندوباری رها می‏کرد و هم مانع‏ تعالی آن می‏شد.اما ذو ق و سلیقه‏های جلب شده به این رمان‏ همیشه در دو سوی آبراهه همانند نبودند؛رمانهایی را که در فرانسه بسیار می‏ستودند همیشه در انگلستان موفقترین داستان‏ نبودند.برای مثال،«قلعه اترانتو»10(1764)اثر والپول در انگلستان بارها تجدید چاپ شد،اما در فرانسه فقط چهار بار (1798 و 1797 و 1774 و 1767)چاپ شد.از سوی دیگر «راهب»اثر لوئیس،بیست و پنج بار در فرانسه منتشر شد،فورا برای تئاتر و اپرا از آن اقتباس کردند و مخالفت چندانی با فساد اخلاقی آن صورت نگرفت.البته،لوئیس با شاهد آوردن از الگوهای آلمانی و فرانسوی خود چون«کازوت»،از منابع اروپایی‏ خود قدردانی کره بود و،خب،این کار بدون شک به فریادش‏ رسید.در نتیجه،اثر لوئیس برای فرانسویان قابل فهم‏تر و مانوس‏تر بود تا رمان«والپول»که آن را بسیار عجیب و غریب و آزاردهنده‏ می‏دانستند.

از آنجایی که بازار کتاب بسیار سریع به تقاضای مردم جواب‏ گفت،مترجمان ترغیب شدند که رویه«زیبا اما خیانت‏پیشه»را پیش بگیرند و برخلاف جریان ترجمه تحت‏اللفظی شنا کنند که‏ در آغاز قرن نوزدهم اندک‏اندک می‏رفت که سرتاسر اروپا را فراگیرد.آنها در تغییر عناوین،حذف کل چندین صفحه و آوردن‏ عناصر جدید برای خشنود ساختن خواننده و پیروی از سلائق‏ متداول در آن دوره لحظه‏ای درنگ نمی‏کردند.زمانی که برناردو لامار،«رکود»11(85-1783)اثر سوفیالی را ترجمه می‏کرد برای کوتاه کردن اثر هیچ تردیدی به خود راه نمی‏داد و چنین‏ استدلال می‏کرد که برخی از رویدادهای داستان«بیشتر عجیب‏ و غریب هستند تا جالب توجه».مری گی-آلار عنوان ایتالیایی‏ اثر«آن رادکلیف»را تغییر داد،زیرا یکی از شخصیتهای اصلی‏ آن راهبی خون‏آشام است،و اشاره به ایتالیا ممکن بود«توهین‏ به کل یک ملت»تلقی شود.او ترجیح داد که نام قهرمان زن‏ را به جای عنوان داستان به کار ببرد.چنین گمان می‏رفت که‏ این تصحیحات و جرح و تعدیلها رمانها را در نظر خواننده مقبولتر می‏سازد.مترجمان فرانسوی پیش از انتشار متون انگلیسی عناصر و منشا خارجی آن را محو می‏کردند،اما همهء نشانه‏های غریب‏ و خارق‏العاده آنها را از بین نمی‏بردند.بسیاری از تغییراتی که‏ اعمال می‏شد از لحاظ نظام ارزشی فرهنگ مقصد موجه جلوه‏ می‏کرد.برای مثال،واژه«خدا»در رکود اثر سوفیالی به«ایزد متعال»در ترجمه فرانسوی تغییر یافته بود،اسم خاص«امبروژیو» در راهب اثر لوئیس به ژاکوبن اسپانیایی در ترجمه فرانسوی‏ 1797 تبدیل شده بود؛و اصطلاح«خسیس»در Melmoth چارلز رابرت ماتورین در ترجمه آزاد ژان کوهن در 1821 به‏ «هارپاگون»(شخصیت اصلی نمایشنامه«خسیس»اثر مولیر) برگردانده شد.

مترجمان،بر اثر این بی‏دقتی‏ها،شبیه‏سازی‏ها،تلخیص‏ها و افزودنها،عملا به ماموران سانسور و حک و اصلاح بدل شده‏ بودند و،طرفه آن‏که،این کارها را به تشویق و ترغیب منتقدان‏ و مردم انجام می‏دادند.این جرح و تعدیلها از معیار«خواندنی‏ ساختن»اثر فراتر می‏رفت:ترجمه‏ها بایستی مناسب و منطبق‏ با عادات خوانندگان می‏شدند،بایستی به آنچه که سبک«نیکو» یا«گوهر زبان»تلقی می‏شد دست می‏یافتند و بایستی از ملاکهای‏ ادبی موجود پیروی می‏کردند.مترجمان در چنین اوضاع و احوالی‏ صرفا واردکننده ارزشها نبودند؛آنها نگهبان هنجارهای فرهنگ‏ مقصد نیز بودند.کار آنها دست کمی از بازنویسی متون اصلی‏ نداشت.بسیاری از فهرست‏نامه‏های کتابفروشان،در جهت‏ هماهنگی با چنین دخل و تصرفهایی،از مترجمان با عنوان‏ نویسنده نام می‏بردند.برای مثال،«فرهنگ رمانها»12اثر آلفرد مارک(1819)از ژان کوهن به عنوان نویسنده نام می‏برد،اما تمام آثاری که از او برمی‏شمرد ترجمه هستند و حتی یک اثر تالیفی از او ذکر نمی‏کند.عباراتی چون«ترجمه آزاد رمان گوتیک» یا«رمان گوتیک به تقلید از رمان انگلیسی»حاکی از خلاقیت‏ مترجم بودند.این عبارات برای معرفی دو ترجمه فرانسوی از «بارون پیر انگلیسی»13اثر کلارا ریو به کار رفتند که دو ناشر مختلف در 1787 آنها را منتشر کردند.

واردات انبوه متون تغییر شکل یافته بر شیوه‏های ترجمه‏ تاثیر گذاشت.در این‏جا باید بین دو پدیده تمایز قایل شویم. نخست باید دانست جلب توجه نمودن بسیار زیاد آثار خارجی این‏ میل و گرایش را پدید آوده بود که هر چیز را به عنوان ترجمه‏ روانه بازار کتاب کنند.در این دوره بازار شبه‏ترجمه و حقه‏بازی‏ ادبی داغ بود.نکته دوم آن است که متون انگلیسی جایگاه و منزلت خاصی در فرانسه داشتند.حوالی 1815،«اسطوره انگلستان» یک بار دیگر باب روز شد و آن وجههء مثبت جامعه انگلیسی را که حاصل تلاش فیلسوفان قرن هجدهم بود با خود به ارمغان‏ آورد.زبان انگلیسی و دیگر محصولات فرهنگی آن سوی آبراهه‏ مانش در میان نخبگان خواستار فراوان یافت.سه نوع رمان‏ بریتانیایی از محبوبیت خاصی در میان خوانندگان فرانسوی‏ برخوردار بودند:رمان احساساتی و شورانگیز،رمان گوتیک و رمان‏ تاریخی.به کار بردن عبارات و واژه‏های«ترجمه شده از انگلیسی» مایه اعتبار اجتماعی شد،و انتساب دروغین متون به نویسندگان‏ انگلیسی شوخی شیطنت‏آمیز باب روز بود.بارون دولاموث- لانگون،نویسنده پرکار 1815 تا 1825،برای تبلیغ آثاری که خود در 1816 و 1819 نوشته بود،به ترتیب،از نامهای رادکلیف و لوئیس استفاده کرده بود.تقلید از کشف یا جستجو برای یافتن‏ ارزشهای خارجی مهمتر شده بود.ترجمه به اقتباس آزاد و تقلید بی‏محابا بدل شده یا حلقه‏ای بود که نویسندگان برای به دست‏ آوردن نام و آوازه سوار می‏کردند.برای مثال،کنتس دوناردو به‏ دروغ اعلام کرد که رمان سال 1818 او تقلیدی از رمان انگلیسی‏ اثر رادکلیف است،حال آن‏که این اثر رمانی بود که هیچ چیزی‏ بدهکار هیچ کس نبود.مفهوم ترجمه چنان تغییر یافته بود که‏ دیگر متن اصلی اهمیتی نداشت.نتیجه نهایی این فرایند چیزی‏ به نام شبه‏ترجمه بود،ترفند ادبی ساده و بی‏زحمتی که متن اصلی‏ آن وجودی خیالی داشت و بهانه‏ای بود برای نوشتن یا دست‏آویزی‏ برای به چاپ رساندن اثر.لاموث-لانگون در مقدمه‏ای به تاریخ‏ 1816 حتی تا آنجا پیش می‏رود که شک و ناباوری خوانندگانش‏ را مورد پذیرش اثر به عنوان ترجمه حدس می‏زند،و بدین وسیله‏ اعلام می‏دارد که تا چه اندازه این صورتکها و نقابهای ادبی در آن زمان متداول بوده‏اند.

ترجمه در فاصله چند دهه،قالبهای بسیاری پیدا کرد:از ترجمه آزاد تا ترجمه محافظه‏کارانه،از تقلید تا تالیف به دروغ‏ ترجمه عنوان شده.ترجمه مجدد متونی که بین انگلستان و فرانسه ردوبدل می‏شدند مطمئنا یکی از جالب‏ترین پدیده‏های‏ این فرایند است.برای مثال، de Holdheim ou la vieille tour du chateau و Alexina (1813)اثر مادام‏ بریه سنت-لئون،که ابتدا به عنوان تقلیدی از اثر انگلیسی معرفی‏ شده بود،در 1821 توسط خانمی به نام کمپیل و با عنوان«آواره‏ نیمه شب»14به انگلیسی ترجمه شد؛سپس این ترجمه انگلیسی‏ توسط دووال با عنوان Spectre dans les ruines Le و Altenberg Rosed به فرانسه برگردانده شد و،طرفه آن‏ که،آن رادکلیف به عنوان نویسنده اثر معرفی شده بود!نمونه‏ دیگر Vathek اثر کنت ویلیام بکفورد است که در 1786 بدون‏ نام نویسنده منتشر شد،سپس هنلی آن را به انگلیسی برگرداند و پس از آن،مجددا به فرانسه ترجمهء شد و در 1819 در پاریس‏ منتشر گردید.

در نهایت بر اثر تنوع قالبها و کثرت تبادلات ادبی،رمان‏ گوتیک رو به ضعف و سستی نهاد و سیر قهقرایی پیمود.آثاری‏ که در آغاز توجه خوانندگان را به خود جلب می‏کردند به صورت‏ قالبی و خسته‏کننده درآمدند.تشویق و تحسین بی‏حد و حصر رمان گوتیک جای خود را به بی‏اعتباری،هجویه و طرد رمان‏ گوتیک داد.برای مثال،بودلر بر کیفیت سست ترجمه‏های‏ «ملموث سرگردان»15اثر ماتورین در 1821 خرده گرفت و سخت‏ از آنها عیب‏جویی کرد.

آیا اشتباه از مترجمان بود؟صنعت نشر آن زمان،که بیش‏ از پیش تحت فشار مسائل و اقتصادی بود،نقش عمده‏ای‏ در به وجود آمدن چنین شرایطی داشت.آن‏طور که از آثار آغازین‏ بالزاک طی سالهای 1821 تا 1826 برمی‏آید،ادبیات رفته‏رفته‏ به صنعت بدل می‏شد و هدفش تولید انبوه بود.اما،افزایش‏ ترجمه‏های ناهمگون و به لحاظ کیفی نابرابر صرفا اثرات منفی‏ بر تولید رمان فرانسه نداشته است.گرچه نتیجه کار در کوتاه‏ مدت انتشار کتابهای متوسط بود،اما در درازمدت مسایل به‏طور کامل فرق کردند.با تولید انبوه ادبیات گنجینه‏ای غنی از موقعیتها، طرحهای داستانی و زمینه‏های جدید به وجود آمد که قوه تخیل‏ خوانندگان جوانی چون تئوفیل گوتیه و ویکتور هوگو را برانگیخت‏ و آنها را به تحرک واداشت.رمان گوتیک منبع الهام رمان‏نویسان‏ آینده شد.زیبایی‏شناسی هراس،میراث به جای مانده از رمان‏ گوتیک،در رمانتیسم فرانسوی نیز ادامه یافت.

نقش ترجمه را در انتقال عنصر هراس از رمان گوتیک به‏ رمانتیسم فرانسوی به هیچ وجه نمی‏توان نادیده گرفت.ترجمه، بر اثر تماسهای مکرر و روزافزون فرهنگهای انگلیسی و فرانسوی، پندارها و انگاره‏های تازه‏ای را فرا روی خوانندگان قرار داد و به‏ تکامل ادبیات کمک کرد.

 (6)-در متن صفت atavistic به کار رفته که از واژه atavism ساخته‏ شده است.ریشه این واژه atavus از زبان لاتین است که در آن زبان به‏ معنای پدر جد یا پدر پدربزرگ است.در انگلیسی atavism به معنای‏ شباهت داشتن به یکی از اعقاب خیلی دور است.برخی از معادلهایی که‏ در فارسی برای آن پیشنهاد داده‏اند از این قرار است:تباریگری،بقای‏ عناصر تباری،تباکان‏گرایی،تبارگرایی و غیره.مترجم با توجه به متن«بسیار کهن»را در این عبارت مناسبتر دید و همان را به کار برد.